

گزارش

## سهم کمتر زنان شاغل از حمایت‌های کرونایی

احتمال می‌رود کرونا تاثیر بیشتری بر اشتغال زنان به نسبت مردان داشته باشد، حال آنکه زنان، کمتر از حمایت‌های کرونایی برخوردار هستند.

هرچند مرکز آمار ایران نرخ بیکاری سال ۹۸ را اعلام کرده، اما هنوز جزئیات این نرخ اعلام نشده است. بر اساس گزارش اولیه مرکز آمار بررسی نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر نشان می‌دهد که ۱۰.۷ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار) طی چهار هفته منتهی به هفته مرجع آمارگیری بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که این شاخص، نسبت به سال ۱۳۹۷، ۱.۵ درصد کاهش یافته است.

در همین حال و در شرایطی که نرخ بیکاری زنان مشخصا اعلام نشده، اتاق بازرگانی تهران در گزارشی مجزا به بررسی شاخص‌های نیروی کار زنان و مردان استان تهران در پاییز سال ۱۳۹۸ پرداخته که بر این اساس نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله در استان تهران بیش از ۴۵ درصد است.

بیکاری زنان از جمله مواردی است که غیر از بعد اقتصادی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی به دنبال خود دارد. دولت‌ها در جوامعی مانند ایران تلاش می‌کنند مشارکت اقتصادی زنان را بهبود و نرخ بیکاری آنها را کاهش دهند. مهناز قدیرزاده (کارشناس روابط کار و فعال حوزه زنان) درباره وضعیت بیکاری زنان می‌گوید: به جز مواردی که در سطح کلان بر بیکاری زنان موثر است، برخی اتفاقات و روندها تاثیر مقطعی در این زمینه دارند. به طور کلی موارد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که به ناعادلانه بودن رقابت در بازار کار بین زنان و مردان منجر می‌شود، باعث شده سهم زنان از بازار کار کمتر از ۲۰ درصد باشد. افزایش این سهم نیازمند اصلاحات در سطح کلان است، اما اگر قرار باشد از شرایط مقطعی حرف بزنیم باید عنوان کنیم که روندها به نفع زنان نیست. او تصریح می‌کند: شیوع کرونا به اشتغال لطمه زیادی زده است. هنوز به درستی مشخص نیست که چه تعداد کارگر رسمی و غیررسمی بیکار شده‌اند. تنها در مورد کارگرانی که درخواست بیمه بیکاری داده‌اند، اطلاع داریم که تعداد آنها بیش از ۸۰۰ هزار نفر است. به این افراد باید کارگران ساختمانی، فصلی و شاغلان در مشاغل غیررسمی را هم اضافه کنیم. زنان کارگر مانند مردان از شیوع کرونا آسیب دیده‌اند و چه بسا باید گفت که این آسیب بیشتر هم بوده است. این کارشناس روابط کار بر این باور است که کرونا مشاغل شهری را به نسبت مشاغل روستایی بیشتر تحت تاثیر قرار داده است، حال آنکه روستایی بیشتر است.



## چرخه کوتاه در میان دستفروشی که این روزها میهمانان تازه وارد بازار کساد دستفروشی شده‌اند

# کرونا می‌فروشیم که روزگار بگذرد

گزارش

«زندگی سخت می‌گذشت، اما خیال‌مان راحت بود که می‌گذرد. سرمان را بالا می‌گرفتم. به زن و بچه هم می‌گفتم که نذاریم، اما گرسنه هم نیستیم. عزت داشتیم. با همه سختی‌ها شرمند نبودیم، اما حالا انگار همه چیز زیرورو شده است. به مشکلات عادت کرده بودیم، اما این یکی را دیگر نمی‌دانیم کجای دل‌مان بگذاریم. کارمان از سختی و بیچارگی عبور کرده است». همین که از خیابان ولیعصر وارد خیابان فاطمی می‌شوی، او را می‌بینی. کمی بعد از خیابان چهلستون ایستاده بود. زیر سایه بیمارستان شهرام که تقریباً سه ماه می‌شود مختص بیماران کرونایی شده است. صدایش پر از اندوه بود. می‌گفت تا همین ۴۰ روز پیش در یک کارخانه تولیدی مشغول به کار بوده که کرونا آمد و دمار از روزگارشان درآورد. حالا یک دستش‌پر از شیلدهای محافظتی بود. یکی هم به چهره زده بود تا مردم در ویرین شیلدهای او را ببینند و دست دیگرش را در هوا تکان می‌داد که خریدار جمع کند. شده بود به قول خودش دستفروش سرپایی و کالای کرونایی می‌فروخت. با لیخند تلخی در گوشه لب، نیم‌نگاهی به بیمارستان شهرام اندخت و گفت: «کرونا آواره‌مان کرد، اما این بازار کوچک را هم برای‌مان باز کرد». امثال او این روزها زیاد هستند. کارگرانی که تا همین اسفندماه گذشته در کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی کار می‌کردند اما حالا به کنج خیابان خزیده و در صف دستفروشان قرار گرفته‌اند. درست روبه‌روی ناصر، در آن سوی خیابان فاطمی یکی دیگر از همین دستفروشان دیده می‌شد که کیسه‌ای بزرگ به خودش آویزان کرده بود و دستکش، ماسک و ژل‌های کوچک ضدعفونی می‌فروخت. ناصر می‌گفت ما حتی دستفروشی هم بلد نیستیم اما مجبور شده‌ایم که به این کار پناه بیاوریم و با خجالت از اینکه شاید بازار دستفروشان قدیمی را نیز کساد کرده باشیم در گوشه‌ای از خیابان می‌ایستیم و داد می‌زنیم و منتظر می‌مانیم تا شاید کالای‌مان فروش برود. این روزها شاید شما هم زیاد دیده‌اید دستفروشی که پاتوق مشخصی ندارند و در گوشه‌ای

از خیابان‌های اصلی به صورت سرپایی کالاهایی کرونایی می‌فروشد. اینها معمولاً همان دستفروشی‌هایی هستند که ناصر می‌گفت، این کار را بلد نیستند اما این روزها به آن پناه آورده‌اند. معمولاً دور میدان‌های شهر و خیابان اصلی از این نوع دستفروشان زیاد دیده می‌شوند. در خیابان ولیعصر نیز در لایه‌لای دستفروشان قدیمی که این روزها کساد بازار را تماشا می‌کنند نیز از اینگونه دستفروشان به وفور دیده می‌شوند. آنها معمولاً جدید وارد این حرفه شده‌اند و قوانین آن را به خوبی نمی‌شناسند. با یکی از آنها که روبه‌روی ساختمان قدیمی گمرک در خیابان ولیعصر ایستاده بود صحبت می‌کنیم: «خیلی زندگی برای ما سخت شده بود اما خوشحال بودیم که بیکار نیستیم. کرونا بیکاری را نیز به ما هدیه داد. الان از برخی مغازه‌های بهداشتی کالای کرونایی می‌گیریم و با سود اندکی که برای خودمان می‌ماند آنها را اینجا می‌فروشیم. در ماه گذشته نزدیک یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان از این راه درآمد داشتیم». این روزها بیکاری کارگران تولیدی به یک معضل برای اقتصاد ایران تبدیل شده است. بسیاری از آنها به دلیل نوع قراردادی که داشتند، یعنی قراردادهای شفاهی و موقت از دریافت بیمه‌های بیکاری بی‌نصیب مانده‌اند و به کارهای دستفروشی، خدماتی، نظافت و بعضاً مسافرکشی روی آورده‌اند. البته آنهایی هم که بیمه بیکاری دریافت می‌کنند نیز نمی‌توانند از عهده مخارج زندگی بریبینند. شما در نظر بگیرید که بدون دریافت بیمه بیکاری در یک ماه یک میلیون و ۳۰۰ تومان درآمد دارید حالا با این درآمد چگونه می‌توانید زندگی خود را جمع و پاسخگوی هزینه‌هایی معیشت، اجاره بها و خدمات مورد نیاز زندگی باشید. بیمه بیکاری را هم اگر به این اضافه کنید باز درآمد جایی نمی‌رود که حداقل خیال را همچنین کمی قرص و محکم آسوده کند. این همان کیمیاگری اقتصاد معیشت است که همواره کارگران بهترین کاربلدهای آن بوده‌اند. امیر یکی دیگر از کارگران تولیدی که او نیز این روزها به فروش محصولات کرونایی در کنار خیابان روی آورده است، می‌گوید: «وقتی بیکار

شدم، ابتدا سراغ نظافت منازل رفتم، اما این کار هم به کساد کشیده شد، چون مردم می‌ترسند کارگران را برای نظافت به منزل راه دهند. همه تگران مریضی هستند. الان دست به دست کالای کرونایی می‌گیرم و می‌فروشم، اما پولی که درمی‌آورم فقط جوابگوی اجاره خانه من در گوشه‌ای از محله باقرآباد است. خودم هم نمی‌دانم چگونه دارم زندگی می‌کنم. بیمه بیکاری ندارم و همه درآمد از همین کنج خیابان و فروش کالای کرونایی تامین می‌شود». شغل جدید فروش محصولات کرونایی، این روزها تصویر تازه‌ای برای خیابان‌های اصلی در شهرهای بزرگ است که بعضاً از سوی کارگران بیکار شده بخش‌های تولیدی و خدماتی ارائه می‌شود. نه اینکه همه این دستفروشان، بیکارشدگان این گروه از شاغلان باشند. در میان این فروشندگان، دستفروشان قدیمی که جایی برای خود در بازار دستفروشی نیز باز کرده بودند، دیده می‌شوند اما همان‌طور که همه این افراد می‌گویند این بازار نیز دخلی ندارد که بتوان به زورش برای باز کردن گره‌های خرج امیدوار بود. یکی از همین دستفروشان به داروخانه‌ای در خیابان ولیعصر اشاره می‌کند و می‌گوید تا همین ۴۰ روز قبل هیچ محصول کرونایی نداشت، اما حالا روی پیشخوان فروشگاهش چیده است و مصرف‌کنندگان هم ترجیح می‌دهند که این کالاها را از داروخانه‌ها خریداری کنند». به نظر می‌رسد در این رقابت، داروخانه‌ها توانسته‌اند به خوبی از عهده دستفروشان بریبینند و این نشان می‌دهد که حتی فردا نیز چشم‌انداز خوبی برای سرچاهی دستفروشان کرونایی ندارد. جالب اینجاست که گروهی از این دستفروشان بیکار نشده‌اند بلکه فقط حقوق دریافت نمی‌کنند. یعنی از وقتی که کرونا چرخ تولید را در بخشی از کارگاه‌های صنعتی و خدماتی متوقف کرده است، کارفرماها به این کارگران گفته‌اند که بیمه آنها را پرداخت می‌کنند اما فعلاً درآمدی برای جبران حقوق ماهیانه ندارند. ناصر می‌گفت همین برای ما یک روزنه امید است و خوشحالیم که اگر کرونا کنترل شود با همراهی این کارفرمایان دوباره بتوانیم به کار برگردیم و از گوشه خیابان و همسایگی کار با

گفت‌وگو

## راه ترقی کارگر...

ادامه از صفحه ۲

اگرچه شما باور دارید به‌رغم همه تحولات اجتماعی و فنی مناسبات روابط کار هنوز نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات اقتصادی دارد اما شاید خیلی‌ها فکر کنند که بسا پیش گرفتن مسیر مزدبگیری نمی‌توانند به موقعیت ایده‌آل خود دست یابند و باید فعالیت‌های اقتصادی دیگری انجام دهند تا بتوانند کمبودهای موجود در زندگی‌شان را جبران کنند، مشخصاً منظورم روی آوردن ورود به فعالیت‌های اقتصادی دیگر مثل دلای، سرمایه‌گذاری در بازارهای مختلف است. این مسیر برای خیلی‌ها می‌تواند به منزله چشم‌پوشی از آلوده شدن به‌امور صنفی تعبیر شود!

– من با این برداشت شما موافق نیستم. قبول دارم که خیلی‌ها ترجیح می‌دهند برای رسیدن به مقصد و نقطه دلخواه خود راه میانبری انتخاب کنند. برای عده معدودی این راه با اقداماتی مانند سرمایه‌گذاری در بورس، خرید و فروش ملک و ماشین، معامله ارز و طلا ممکن است اتفاق بیفتد، برای خیلی‌های دیگر هم این مسیر از یافتن شغل دوم و سوم می‌گذرد اما همه اینها هر چقدر هم فراوان به نظر برسند باز هم در مجموع موارد استثنای محسوب شده و قاعده نیستند. قبول دارم که هوش اقتصادی و اجتماعی هر انسان بالغی را به سمت جست‌وجو برای یافتن چنین مسیرهایی ترغیب می‌کند اما یادمان باشد همه مزدبگیران این شانس را ندارند تا دنبال چنین فرصتی بگردند. نخست آنکه بیشترشان لیداتمن مالی لازم را ندارند و در ثانی وظایف شغلی بیشتر کارگران آنقدر سخت و طاقت‌فرساست که فرصتی برای فکر کردن در مورد ورود به چنین حوزه‌هایی هرگز به وجود نمی‌آید و نهایت دلخوشی بیشتر کارگران در حد همان یافتن کار دوم و سوم یا انجام اضافه‌کاری باقی بماند. پس با این وجود باید همچنان راه‌حل نهایی‌ار ترقی توان چانه‌زنی کارگران را در تقویت کنش‌های صنفی جمعی جست‌وجو کرد؟

– اگر از موارد استثنایی و میانبرهای اندکی که وجود دارند صرف‌نظر کنیم در نهایت برای کارگران راهی غیر از دنبال کردن گفت‌وگوهای اجتماعی، مذاکرات صنفی و دست‌جمعی وجود نخواهد داشت تا بتوانند به کمک آن وضعیت خود را در مذاکره با کارفرمایان ارتقا بخشند. این مسیری است که باید آن را حاصل‌تطور اندوخته‌شده توسط نسل‌های مختلف دانست که امروز در قالب مقاوله‌نامه‌بنیادین ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار تصویب شده و تمامی کشورها از سال ۹۹ میلادی ملزم به قبول اجرای آن هستند. قیلاهم گفتیم فعالیت صنفی الگوی خاصی ندارد. هر کس سعی دارد تا مسیر آن را به نفع خود تغییر دهد و طبیعی است که دولت و کارفرما و در یک کلام نهادهای منتسب به زور و زور در این مناسبات دست‌بالا داشته باشند اما در میان کارگران نباید کوتاه بیایند. این مسیری است که نباید پیموده‌نشده باقی بماند. موضوع مهم این است که بدانیم مسیر با همه دشواری‌ها و معایبی که دارد بالاخره پیموده خواهد شد و روزی خواهد رسید که بتوانیم بگویم در مقایسه با امروز ورق به نفع کارگران برگشته اما با همه تغییر و تحولات قطع یقین حالا حالا‌ها رابطه کارگری – کارفرمایی شاید مسلط مناسبات اقتصادی است در نتیجه غیر از ادامه دادن گفت‌وگو راه دیگری وجود ندارد.